

نکات طلایی هنر

گردآوری و تنظیم:
بیتا عبدنیک فرجام



سرشناسه : عبدنیک فرجام، بیتا (۱۳۶۷)

عنوان و نام پدیدآور: نکات طلایی هنر سال تحصیلی ۱۴۰۰

قابل استفاده برای کلیه گروه آزمایشی هنر

مشخصات نشر: تهران - مشاوران صعود ماهان، ۱۴۰۰

۲۰۳ ص: جدول، نمودار (آمادگی آزموند کتری)

ISBN/N: 978-600-458-575-0

وضعیت فهرست نویسی: فیا مختصر

فارسی - چاپ اول

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۰۱۴۸۷

رده بندی کنگره ۱۳۹۷ ن ۸ ع ۲ / NX۲۸۰

رده بندی دیویی: ۷۰۷/۰۷۶

مدیران مسئول: مجید سیاری - هادی سیاری

مسئول برنامه ریزی و تولید محتوا: سمیه بیگی

گردآورنده: بیتا عبدنیک فرجام

ناشر: مشاوران صعود ماهان

نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱/۱۶۰/۰۰۰ ریال

شابک: ISBN/N: 978-600-458-575-0

انتشارات مشاوران صعود ماهان:

۱-تهران: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع ولی عصر و مطهری، پلاک ۲۰۵۰ تلفن: ۱۴-۱۱۳-۸۸۱۰۰

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه آموزش عالی آزاد ماهان می باشد. و هرگونه اقتباس و کپی برداری از این اثر بدون اخذ مجوز پیگرد قانونی دارد.

به نام خدا

ایمان داریم که هر تغییر و تحول بزرگی در مسیر زندگی بدون تحول معرفت و نگرش میسر نخواهد بود. پس بیایید با اندیشه، توکل، تفکر، تلاش و تحمل در توسعه دنیای فکریمان برای نیل به آرامش و آسایش توأمان اولین گام را برداریم. چون همگی یقین داریم دانایی، توانایی می آورد.

شاد باشید و دلی را شاد کنید
برادران سیاری

مقدمه مولف

به نام خدایی که در این نزدیکی است

تولستوی معتقد است: هنر، یکی از دو وسیله ترقی بشریت است. انسان از راه کلمات، افکار خویش و به یاری نقوش هنر، احساسات خود را با همه آدمیان در میان می‌گذارد؛ و این سخن، نه فقط درباره حال، بلکه درباره گذشته و آینده نیز صادق است. شایسته است که آدمی از این هر دو وسیله ارتباط استفاده کند.

در این نوشتار سعی شده است با توجه به حجم وسیع و گستردگی مطالب برای مطالعه کنکور هنر، به نکاتی کلیدی که برای هنر پژوهان در آزمون تحصیلات تکمیلی مورد نیاز است اشاره شود که پس از مطالعه منابع به این کتاب رجوع نموده و برای به خاطر سپردن هر چه بهتر مطالب برای شرکت در آزمون، مورد استفاده قرار دهند.

در ادامه باید اشاره کنیم که این مجموعه برای شرکت‌کنندگان کنکور در مقطع کارشناسی ارشد رشته‌های مرتبط با هنر اعم از تصویرسازی، نقاشی، ارتباط تصویری، پژوهش هنر، فلسفه هنر، صنایع دستی و هنر اسلامی و همه شرکت‌کنندگانی که فرهنگ و هنر و ادبیات ایران و جهان در رشته مورد تقاضای آنان منظور می‌گردد و به خصوص دکتری پژوهش هنر کاربرد دارد. با آرزوی موفقیت، امید است مطالعه این کتاب برای سهولت در به یاد سپردن مطالب یاری‌گر باشد.

برای رسیدن به موفقیت متفاوت باشید

بی‌تا عبدنیک فرجام

فهرست مطالب

۷..... تاریخ هنر ایران و جهان

۱۱..... هنر و تمدن اسلامی

«تاریخ هنر ایران و جهان»



۱. از مهم‌ترین پیکره‌های دوره پارینه‌سنگی ونوس و بلندروف می‌باشد.
۲. ساختن ابزار تحول مهمی محسوب می‌شود زیرا باعث تکامل مغز انسان گشت و او به نیروهای فوق طبیعی توجه کرد.
۳. هنر بشر نخستین، جنبه عملی و روزمره داشت، برخلاف هنر انسان امروزی که تخیلی و ذوقی است.
۴. کهن‌ترین آثار نقاشی‌های شناخته شده در جهان درون غارهای لاسکو در فرانسه، آلتامیرا در اسپانیا و فون دوگوم در فرانسه مربوط به دوره پارینه سنگی است.
۵. آدمیان نخستین نقاشی‌های داخل غارها را از روی تفنن تصویر نمی‌کردند، بلکه این کار را برای زنده ماندن مفید می‌دانستند. موضوع اصلی نقاشی غارها، حیوانات و شکار بود.
۶. انسان نخستین اعتقاد داشت هر چه این نقاشی‌ها در قسمت دور افتاده‌تر غارها ترسیم شود تاثیر جادویی بیشتری خواهد داشت.
۷. انسان نخستین برای نقاشی از رنگ‌های طبیعی مانند گل اخری استفاده می‌کرد.
۸. تصاویر گاو و گوسفند در غار لاسکو و غارهای دیگر حکایت از وجود سنتی در نمایش شاخ‌های این جانوران دارد که پرسیکتو پیچیده نامیده می‌شود. زیرا سرهای آنها را به طور نیم‌رخ ولی شاخ‌هایشان را از زاویه‌ای دیگر می‌بینیم.
۹. سبک نقاشی انسان اولیه نوعی ناتورالیسم نخستین بود که با ناتورالیسم قرن نوزدهم کاملاً متفاوت است. ناتورالیسم انسان اولیه شبیه اصل در طبیعت بود.
۱۰. در دوران میانه سنگی هنر بیشتر ذوقی می‌شود تا عملی و روزمره.



۱۱. در تصاویر پارینه سنگی بیشتر حیوان و کمتر انسان می‌بینیم اما در دوران میانه سنگی، انسان‌هایی مسلح را در نقاشی‌ها مشاهده می‌کنیم.

۱۲. تصویری از گاو در دوره میانه سنگی روی دیواره غار دیده شده است که حالتی امپرسیونیستی دارد. در این تصاویر، برخلاف نقاشی‌های مربوط به دوران پارینه سنگی که جزئیات را می‌کشیدند و طبیعت‌گرا بودند بیشتر به طرح پرداخته شده است.

۱۳. اکسپرسیونیسم نخستین نیز سبکی دیگر از نقاشی دوران میانه سنگی است. زیرا در این نقاشی‌ها هنرمند برداشت و عواطف خود را نقش می‌زند. از تصاویر اکسپرسیونیستی، رژه سلحشوران است. تصویر رژه سلحشوران روی صخره‌ای در گردنه گاسولا در اسپانیا نقش شده است.

۱۴. تصویر خیش ران کهن، این نتیجه را به دست می‌دهد که در دوران میانه سنگی انسان به کشف کشاورزی نائل آمده است؛ این تصویر بر روی صخره‌ای در سوئد کشف شده است.

۱۵. در دوران میانه سنگی هنرمند از هنر ناتورالیستی به طرف امپرسیونیسم و اکسپرسیونیسم نخستین رفت و با مبالغه در این مورد به هنر آبستره رسید.

۱۶. خلاصه‌تر کردن تصاویر در مصر به اختراع خط تصویری هیروگلیف انجامید.

۱۷. دوره اورینیاکی در فاصله بین پیشروی مقدماتی و نهایی آخرین یخچال‌های طبیعی آغاز شد.

۱۸. دوره سولوتره‌ای با استقرار آب و هوای سرد قطبی مصادف بود.

۱۹. با آغاز دوره ماگدالنی، عقب‌نشینی نهایی یخ‌ها و فرا رسیدن آب و هوای معتدل آغاز شد.



۲۰. در دوره‌های تسلط آب‌وهوای سرد، انسان شکارگر و گرد آورنده خوراک به غارها پناه برد، در این زمان انسان کرومانیون می‌زیست (که نخستین بار در دوره اورینیاکی پا به عرصه نهاد و جای انسان نئاندرتال را گرفت) که انسانی هنرمند بود.

۲۱. اسب خالدار غار پیش - مرل فرانسه را می‌توان نتیجه الهامی دانست که از تشابه برجستگی سنگ کوه با سروگردن اسب به هنرمند دست داده است.

۲۲. در غار سه برادر واقع در کوه‌های پیرنه موجود انسان گونه‌ی عجیبی قابل مشاهده است که بر چهره‌اش نقاب و بر سرش شاخ گوزن شمالی زده است. و این چهره احتمالی یک جادوگر است.

۲۳. اسب نقاشی شده بر سقف دالان محوری غار لاسکو را به این علت اسب چینی نامیده‌اند که سبکش به طرز شگفت‌آوری به نقاشی چینی در بهترین دوره‌های تکاملش شباهت دارد.

۲۴. پیکره ونوس ویلندروف و بسیاری از پیکره‌های کوچک اندام دیگر به عنوان **بت‌های حاصلخیزی و باروری** مورد استفاده بوده‌اند. در این پیکره‌ها آنچه انسان اولیه مجسم می‌کرد زن نبود، بلکه باروری بود.

۲۵. پس از پایان عصر یخ، یک دوره انتقالی پیش آمد که به دوره میانه سنگی معروف است و در طی آن اروپا از لحاظ آب‌وهوایی همان گونه شد که امروز شاهد آن هستیم.

۲۶. سبک‌های نقاشی صخره‌ای پس از گذشت هزاران سال، عملاً انتزاعی‌تر و خلاصه‌تر می‌شوند در آنها نماد، بیش از تصویر دیده می‌شود و می‌توان احتمال داد که این سبک‌ها دست اندرکار تست مرحله‌ای از تکامل عنصر نمادی از عنصر تصویری بوده‌اند، تکاملی که در خاور نزدیک به اختراع خط می‌انجامد.

۲۷. مهم‌ترین هنر دوران نوسنگی **سفالگری** است در این دوره کشاورزی رونق یافت و یکجانشینی به وجود آمد.



۲۸. از مناطق مربوط به دوران نوسنگی می‌توان به اریحا در فلسطین و چتل هویوک در ترکیه اشاره کرد.

۲۹. **مگالیت‌ها**، تخته سنگ‌های بسیار بزرگ هستند که از هزاران سال پیش در غرب اروپا برپا هستند. مگالیت‌ها احتمالاً جهت مراسم خاص مذهبی، یادبود مردگان و پرستش خورشید به کار می‌رفتند.

۳۰. انسان کرومانیون پس از انسان نئاندرتال که زندگی آن ۷۵ هزار سال به طول انجامید به وجود آمد این انسان جدبلافصل انسان امروزی است؛ او توانست زوبین و نیزه‌های سراسخونی اختراع کند.

۳۱. دین‌های ابتدایی مانند توتسمیم، تابوئیسیم، آنیمسیم و شامانسیم در دوران زندگی انسان کرومانیون به اوج خود رسید

۳۲. اریحا روستایی متعلق به دوره نوسنگی پیشین است و نخستین استحکامات شناخته شده سنگی در تاریخ بشر در این منطقه دیده شده است.

۳۳. دولمن یا ساختمان تخته سنگی احتمالاً بقایای گورهای دالانی هستند.

۳۴. در **کارناک** واقع در برتانی تک سنگ‌های بزرگی به نام مینهیر به طور قائم و در ردیف‌های موازی کار گذاشته شده‌اند. سازندگان این یادمان‌ها ظاهراً هدفی مذهبی داشته‌اند و شاید آن‌ها را برای پرستش مردگان یا خورشید بر پا می‌داشته‌اند. گاهی این سنگ‌های بزرگ را دایره‌وار برپا می‌داشتند و نام کروملک بر آنها می‌نهادند.

۳۵. شگفت‌انگیزترین کروملکها، کروملک واقع در ایویری و **استونهنج** انگلستان می‌باشند.

۳۶. دوره دیرینه سنگی تقریباً بر عصرگردآوری خوراک منطبق می‌شود و دوره نوسنگی یعنی آخرین مرحله‌ی آن عصر با تشدید و گسترش گردآوری خوراک و اهلی کردن سگ مشخص می‌شود.



۳۷. تاریخ تشکیل اجتماعات روستایی در جارمو واقع در عراق و چتل هویوک در آناتولیای جنوبی به اواسط هزاره هفتم قبل از میلاد باز می‌گردد.

۳۸. کهن‌ترین روستاهای مصر در منطقه **فیوم** نزدیک دلتای نیل به ۴۵۰۰ ق.م باز می‌گردد.

۳۹. در شهر اریحا که فلاتی است در دره رود اردن و به هزاره نهم پیش از میلاد باز می‌گردد، خانه‌های خشتی بر پی‌های سنگی مدور یا بیضی شکل ساخته شد.

۴۰. در کنار اریحا، **چتل هویوک** را یکی از نخستین تلاش‌های بشر برای پی‌ریزی زندگی شهری نامیده‌اند. از ویژگی‌های این شهر آن است که هیچ خیابانی ندارد، و خانه‌ها به هم چسبیده‌اند و از پشت بام به یکدیگر راه دارند.

۴۱. پیکره‌های به‌دست آمده از چتل هویوک عمدتاً مونث هستند و ونوس ویلندروف را به یاد می‌آورند؛ در ساخت این پیکره‌ها، برخورد هنرمند با کارش کاملاً **رئالیستی** است.

۴۲. پیکرتراش عصر نوسنگی برخلاف پیکرتراش و هنرمند عصر دیرینه سنگی که می‌کوشید مفهوم انتزاعی باروری را به نمایش درآورد، موجودی انتزاعی (الهه) را با پیکری انسانی می‌نمایاند.

۴۳. مصریان در دوران امپراتوری قدیم، پیکراشخاص را چاق و کوتاه ترسیم می‌کردند. **مجسمه کاتب نشسته** یا کاتب مصری مربوط به این دوران می‌باشد.

۴۴. هنر مصر را **آخرت‌گرا، کاهنی، ایستا و سنت‌گرا** توصیف می‌کنند که برخلاف یونانی‌ها و رومی‌ها به نشان دادن حالت درونی چهره‌ها توجه نمی‌کردند. هنر مصر باستان با دنیای زندگان سروکار ندارد و توجهش به دنیای مردگان معطوف است.

۴۵. در مصر باستان، هرگاه نقاش خواسته است دو نفر را در پس هم قرار دهد، شخص عقب را بزرگتر می‌کشیده است.



۴۶. موضوع نقش برجسته‌های **مصری** اغلب شرح مصور فتوحات فراعنه، مراسم مذهبی، صحنه‌هایی از زندگی روزمره یا تجسم سیر ارواح در عالم لاهوت بوده است.
۴۷. دو نمونه از مجسمه‌های غیر آیینی مصر باستان **مجسمه ایستاده شیخ البلد** از جنس چوب و **مجسمه کاتب نشسته** از جنس سنگ آهک می‌باشد.
۴۸. در **نقاشی مصری** سایه زدن معمول نبوده و نقاشی‌ها با رنگ‌های ثابت و یکنواخت انجام می‌گرفته است.
۴۹. در **نقاشی مصری** مردان هنگام راه رفتن همیشه پای چپ خود را جلو گذاشته‌اند و زنان و کودکان ساق پاهایشان به هم فشرده و نزدیک و در حال استراحت هستند.
۵۰. فن نقاشی در مصر باستان برای برجسته‌تر کردن هنر پیکرتراشی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.
۵۱. ترکیب، تناسب و نظم هندسی و ملاحظه دقیق طبیعت، مشخصه تمامی **هنر مصر** می‌باشد.
۵۲. وظیفه هنرمند مصری این بوده که همه چیز را حتی‌الامکان واضح و ثابت حفظ کند. بنابراین، آنها با هرگونه طرح‌برداری از طبیعت، به گونه‌ای که از زاویه‌ای گذرا و تصادفی دیده شده باشد. بیگانه بودند.
۵۳. سبک کار نقاشان مصری بیشتر به **نقشه‌کشی** شباهت داشت تا نقاشی.
۵۴. مصریان هر جزء از تصویر کلی را از زاویه جداگانه‌ای که بتواند آن را با وضوح کامل نشان دهد، می‌نگریستند. برای مصریان زاویه دید واحد در یک منظره به هیچ وجه مطرح نبوده است.



۵۵. در هنر مصر، بهترین زاویه‌ای که سر انسان دیده می‌شود، نیم‌رخ آن است. اما چشم کامل با دید از روبه‌رو کشیده می‌شده است. نیم‌تنه بالایی، با دید از روبه‌رو و بازوان و ساق پاها از پهلو کشیده می‌شده‌اند.

۵۶. نقاش مصری کارش را با ترسیم شبکه‌ای از خطوط مستقیم بر روی دیوار آغاز می‌کند و پیکره‌هایش را با نهایت دقت میان این خطوط قرار می‌دهد.

۵۷. هوروس، خدای آفتاب، در تمدن مصری باید به شکل شاهین یا دست کم با سرشاهین تصویر می‌شد.

۵۸. آنوبیس، خدای مرگ می‌بایست به شکل شغال یا سر شغال بازنمایی می‌شد.

۵۹. هیچ کس از هنرمند مصری نمی‌خواست که نوآور و مبتکر باشد هنرمند تنها باید قواعدی که در دوران شاگردی آموخته بود را به کار می‌بست. به همین دلیل هنر مصر در گذر سه هزار سال یا بیشتر تغییر چندانی نکرد.

۶۰. معبد کارناک یکی از بزرگترین معبدهای سردردار مصری می‌باشد.

۶۱. نقاشی دیواری هیراکونپولیس، کهن‌ترین نماینده شناخته شده آن سنت هزار ساله‌ی نقاشی است که رسم‌های تدفین مردگان در نزد مصریان را بر ما می‌نمایاند.

۶۲. لوحه آرایش پادشاه نارمر علاوه بر ثبت یک رویداد مهم تاریخی و وضع قواعدی بنیادی برای هنرهای تصویری، چندین مرحله از تکامل خط مصری را نیز تجسم بخشیده است.

۶۳. پیکرتراش مصری، ظاهراً نسبت به نمایش رئالیستی بدن بی‌تفاوت بوده و ترجیح می‌داده در جهت وفاداری به طبیعت در هنر چهره‌سازی گام بردارد.



۶۴. تندیس چوبی شیخ‌البلد، بازنمایی زنده‌گونه مردمی است که وظیفه‌اش خدمت به پادشاه در جهان روح - مانند خدمت به او در جهان خاکی - بود.

۶۵. مصری‌ها که از سیمان استفاده نمی‌کردند برای برپا نگهداشتن ستون‌ها، آنها را بزرگ می‌گرفتند، تا وزنشان بیشتر شود.

۶۶. کشف لوح روزتای، کلید کشف خط هیروگلیف مصری است. بر روی لوح روزتای کتیبه‌هایی به خط یونانی، دموتیک و هیروگلیف دیده می‌شود.

۶۷. مصریان معتقد بودند که از نخستین لحظه تولد آدمی یک خود دیگر به نام کا او را همراهی می‌کند که پس از مرگ وارد جسم می‌شود و به زندگی‌اش ادامه می‌دهد.

۶۸. پیکره کنده‌کاری هزی‌رع که مقامی عالی رتبه در دربار پادشاه زوسر بوده است از آثار مصریان می‌باشد.

۶۹. هرم پله‌دار پادشاه زوسر کهن‌ترین بنای سنگی مصر و نخستین مقبره عظیم پادشاهی است.

۷۰. ای‌م‌حوتپ معمار هرم پله‌دار زوسر نخستین هنرمندی است که نامش در تاریخ مدون آمده است.

۷۱. اهرام جیزه، خوفو، خفرع و منکورع هستند که در سال ۲۷۰۰ پیش از میلاد ساخته شدند. این اهرام نقطه اوج تکامل آن شیوه معماری بود که با مصطبه‌ها آغاز گشته بود.

۷۲. مصری‌ها با آنکه با روش طاق‌زنی و طاق‌بندی آشنا بودند به ندرت از آن استفاده می‌کردند.

۷۳. غارهای مدوم نمونه‌ای از نقاشی متعلق به پادشاهی کهن است.

۷۴. مقبره‌های تخته سنگی بنی‌حسن مهم‌ترین بازمانده‌های مربوط به دوره پادشاهی میانه است. از سالم مانده‌ترین این مقابر، مقبره خونوم حوتپ است.



۷۵. در پیکره‌های شبیه‌سازی شده متعلق به دوره پادشاهی میانه ادراک ژرف‌تری از شخصیت و حالات روانی انسان به چشم می‌خورد.

۷۶. در دوره پادشاهی جدید مصر، معابد با شکوه، مقامی همچون هرم‌های دوران پادشاهی کهن داشتند.

۷۷. مرقد ملکه حتشپ‌سوت و مقبره تخته سنگی رامسس دوم مربوط به پادشاهی جدید مصر هستند.

۷۸. علت اصلی دید مکعب‌وار در تندیس مصری این است که روش تندیس‌سازی در مصر به این صورت بوده است که بخش اضافی سنگ را از آن جدا کرده و شکل را از دورن سخت‌ترین سنگ‌ها استخراج می‌کردند.

۷۹. خط میخی سرچشمه اصلی تمام خطوط غربی است.

۸۰. استفاده از آجر و خشت‌خام و ابداع طاق‌های گهواره‌ای و نیم استوانه‌ای از مشخصات معماری سومری است.

۸۱. در پیکره سردیس زن از وارکا که هنر پیکرتراشی سومری را به نمایش می‌گذارد شاهد بزرگی بی‌تناسب چشم‌ها هستیم.

۸۲. آکدی‌ها نژادی سامی داشتند اما فرهنگ سومری را جذب کرده بودند.

۸۳. در لوح پیروزی نارامسین (۲۳۰۰-۲۲۰۰ ق.م) مقام خدای گونگی پادشاهان آکد را شاهد هستیم.

۸۴. در لوح پیروزی نارامسین، او کلاخودی شاخدار بر سر نهاده که نشانه مقام خدایی اوست و شمش و ایشتار در بالای سر او نمایان است.



۸۵. قوانین حمورابی روی لوح بلند و ناهمواری حکاکی شده است. بازتاب‌هایی از مجموعه قوانین او را می‌توان در شریعت موسی نیز یافت.

۸۶. در معماری آشور، بناها را از آجر می‌ساختند و در تزئینات نما، به نقاشی و حجاری می‌پرداختند؛ در مدخل کاخ‌های آشور، اسفنکس قرار می‌دادند.

۸۷. در آثار آشوریان، قسمت‌های مختلف بدن، تمام رخ و صورت نیم‌رخ و چشم به حالت تمام رخ نقش می‌شده است و خدایان و پادشاهان بزرگ‌تر از دیگران تصویر می‌شوند.

۸۸. بخت نصر پادشاه بابل باغ‌های معلق بابل (یکی از عجایب هفتگانه جهان) و معبدی برای بل (انیل) ساخت.

۸۹. قدیمی‌ترین آثار به‌دست آمده از تمدن سومری الواح گلی با خط میخی و مربوط به ۳۲۰۰ ق.م است.

۹۰. سردیس مفرغی سارگون در نزدیکی شهر نینوا کشف شده است.

۹۱. در لوح حمورابی قوانینی در باب حقوق و میراث، ازدواج، مجازات، وظایف فرزند، زراعت و آبیاری و وظایف فرزندان نوشته شده است که دارای سه بخش مقدمه، متن و نتیجه می‌باشد. این لوح مربوط به ۱۷۰۰ پیش از میلاد می‌باشد.

۹۲. آشوری‌ها هنر نقش برجسته را همانند نقاشی‌های دیواری رنگ‌آمیزی می‌کردند.

۹۳. از آثار به جا مانده از تمدن آشور، شیرهای بالدار درشت پیکر و شیرهای با سر آدمی (اسفنکس یا ابوالهول) می‌باشد.

۹۴. نقش برجسته ماده شیر محتضر در ۶۵۰ پیش از میلاد در نینوا کشف شده است.



۹۵. در نقش برجسته‌های آشوری پیکر انسان خشک و رسمی می‌باشد و سروپا از دید جانبی و بدن از دید روبه‌رو نشان داده می‌شده است.

۹۶. تزئین دیوارهای دروازه ایشتار که به دستور نبودکدنصر ساخته شده بود با آجرهای لعابدار رنگین بوده است.

۹۷. **آنو:** خدای آسمان، **انلیل(بل):** خالق و فرمانروای زمین و خدای توفان، **اِنا (انکی):** خدای آبها (خدای شفا دهنده و نیکخواه)، **نانار (سین):** خدای ماه، **اونو (شمش):** خدای آفتاب، **اینانا** (مربوط به سیاره زهره): الهه عشق و باروری (که مانند ایشتار، بعدها وظایف الهه جنگ نیز به او سپرده شد) (بل و شمش دو نام **اکدی‌اند** و **سین بابلی** است).

۹۸. **زیگورات اور**، به دوره سومری نوین مربوط می‌شود. سومریان مردمی کشاورز بودند که طرز مهار کردن سیل را آموختند و شهرهایی با دیوارهای حصین ساختند، مانند اوروک یا وارکای امروزی و لاگاش یا تلوه امروزی. دین سومریان بر محور خدایان طبیعت می‌چرخید که برای تجلیل از آنها پرستشگاه‌های مختلفی ساخته بودند

۹۹. سه کشف بزرگ **سومریان**، شبکه‌ای از خدایان و روابط میان خدایان و آدمیان، خود کشور - شهر و هنر نوشتن، شالوده‌ای برای سازماندهی جدید جامعه بشر پی‌افکنند.

۱۰۰. در سردیس متعلق به **وارکا**، بیننده بی‌درنگ متوجه بزرگی بی‌تناسب چشم‌ها می‌شود. این ویژگی گروه بزرگی از پیکره‌هایی است که از تل اسمر به دست آمده است. می‌توان علت آن را توجه قدرت‌گیری، خواب‌آوری مصنوعی چشم در جهت هدف‌های شریف یا پلید دانست.

۱۰۱. ستیز میان نیروهای طبیعی و فوق طبیعی در دنیای بین‌النهرینی‌ها به شکل مبارزه‌ای میان جانوران و هیولاها نمایانده و بیان می‌شود.



۱۰۲. **حمورابی** شهرتش را مدیون تنظیم قوانین آشفته، تناقض‌آمیز و غالباً نامدون شهرهای بین‌النهرین است.

۱۰۳. **ارگ ناتمام سارگون** پادشاه آشور که در خرساباد ساخته شده است با نقشه‌های بلند پروازانه‌ای که دارد، بازتابی از اطمینان شاهان بزرگ به قدرت همواره پیروزمند خویش است.

۱۰۴. **زیگورات خرساباد** احتمالاً هفت طبقه داشته است که چهارتای آنها تا به امروز حفظ شده‌اند؛ ارتفاع هر طبقه پنج و نیم متر است و هر یک رنگی متفاوت با دیگری دارد. برای دستیابی به این زیگورات خریشته‌ی حلزونی پیوسته‌ای دورتادور ساختمان از کف پایین‌ترین طبقه تا نوک بالاترین طبقه ساخته شده است.

۱۰۵. **نقش‌های برجسته آشوری**، بر روی هم، حکایتی هستند که رشته پیوندشان فقط به وسیله لبه‌های سنگ‌های کنار هم نهاده شده گسسته می‌شود؛ آنچه مدت‌ها پیش با کنده‌کاری پرچم‌اور آغاز شد در اینجا به کمال می‌رسد.

۱۰۶. از معبدی که **بخت‌نصر برای بل (انلیل)**، خالق و فرمانروای زمین و خدای توفان ساخته بود فقط بخش کوچکی از زیگورات آن باقی مانده است.

۱۰۷. بر سطوح دروازه ایشتار، ردیف‌هایی از پیکره‌های نیم‌رخ، **اژدهای مردوک** و **گاو اداد** با وقاد تمام، یک درمیان، نشان داده شده‌اند.

۱۰۸. هنر جزیره کرت را به نام مینوس پادشاه، **هنر مینوسی**، هنر سرزمین اصلی یونان را **هنر هلاسی** و هنر جزایر بین کرت و یونان را **هنر سیکلادی** می‌نامند. فرهنگ مربوط به میسن در سرزمین اصلی یونان، جزء فرهنگ‌های **هلاسی پسین** به شمار می‌رود.

۱۰۹. پیکره چنگ‌نواز، پیکره مردی است که مربوط به **هنر سیکلادی** می‌باشد.



۱۱۰. کاخ کنوسوس ساختمانی بی‌نقشه بود که مربوط به دوره مینوسی پسین می‌باشد. افسانه یونانی مربوط به معبد هزار خم (لابیرنت) کرت از این جا گرفته شده است.

۱۱۱. در زیر کاخ کنوسوس شبکه کارآمدی برای فاضلاب از لوله‌های سفالی ساخته شده است.

۱۱۲. نقاشی دیواری از گاوبازی و نقاشی زن پارسی مربوط به هنر مینوسی پسین هستند.

۱۱۳. مینوسی‌ها برخلاف مصری‌ها که با اسلوب خشک روی دیوار نقاشی می‌کشیدند، با دیوار خیس نقاشی می‌کردند که جلوه‌های امپرسیونیستی می‌آفریدند.

۱۱۴. مینوسی‌ها در سفالگری به موضوعاتی از قبیل زندگی جانوران و گیاهان دریا مانند دلفین، جلبک و هشت‌پا توجه می‌کردند؛ مانند کوزه با نقش هشت‌پا.

۱۱۵. پیکره‌ها در هنر مینوسی به قدری کوچک هستند که فقط به‌عنوان طلسم و بت به کار می‌روند.

۱۱۶. سالم‌مانده‌ترین بقایای فرهنگ میسنی آثاری هستند که از کاخ‌های تیرونزومیسن به دست آمده‌اند. دروازه شیرین مربوط به فرهنگ مسینی می‌باشد.

۱۱۷. گنج‌خانه اترئوس بزرگ‌ترین ساختمان طاق‌بندی شده بدون استفاده از تیرهای داخلی در کل جهان باستان، پیش از ساخته شدن معبد پانتون رم بوده است.

۱۱۸. دوره مسینی پسین با سفالگری به دوره تاریخی یونان پیوند می‌خورد.

۱۱۹. پیکره انسان، در گلدان دیپولون که به سده هشتم قبل از میلاد تعلق دارد ظاهر می‌شود.



۱۲۰. دوره مینوسی پیشین را عمدتاً با تعداد سفالینه و تکه‌های پراکنده چند مجسمه می‌شناسیم از جمله می‌توان به سفالینه‌های بسیار سخت موخلوس و ظروف گلی دست ساخته مزین به طرح‌های نقر شده هندسی اشاره کرد.

۱۲۱. یکی از پیشرفت‌های فنی مهم در اوایل دوره کاخ‌های کهن، ابداع چرخ کوزه‌گری بود که ساختن ظروفی با جداره‌های نازک‌تر و شکل‌های ظریف‌تر را ممکن ساخت و موجب پیدایش صنعتی پررونق گردید.

۱۲۲. یکی از به یاد ماندنی‌ترین پیکره‌های به‌دست آمده از هنر کرت نقاشی دیواری ساقی است که بر دیوار دروازه بیرونی جنوب کاخ کنوسوس نقش بسته است.

۱۲۳. در هنر مینوسی، کمتر به پیکره‌ای با نقش برجسته همه جانبی برمی‌خوریم و آنچه وجود دارد، بسیار کوچک است، نبود پیکره‌های درشت اندام احتمالاً می‌تواند بازتابی از نبود یک دین انتظام یافته و رسمی باشد.

۱۲۴. با آنکه به نظر می‌رسد میسن، مرکز فرهنگی سرزمین یونان بوده باشد؛ بقایای کاخ‌های بزرگ دیگری در وافیو، پولوس، اورخومنوس، آرن و ایولکوس کشف شده است.

۱۲۵. فرهنگ طلایی میسن، شاهکارهای پرارزشی چون جام‌های مشهور وافیو را از خود به یادگار نهاد.

۱۲۶. سفال‌های شیوه خاور مآبی یونان که به قرن هفتم ق.م تعلق دارد نقش‌های داستان سرایی دارند و از شیوه منظم هندسی فاصله می‌گیرد.

۱۲۷. مراکز سفالگری در دوره شیوه‌های کهن و هندسی عبارت بودند از: آتن در آتیکا و کورنت در پلوپونز.



۱۲۸. **گلدان فرانسوا** ظریف‌ترین نمونه موجود متعلق به دوره کهن است.

۱۲۹. در دوره باستانی که عصر درخشان نقاشی روی سفال‌هاست نقش‌ها به دو صورت **سرخگون** و **سیاهگون** کار می‌شدند.

۱۳۰. از مشخصات مهم مجسمه‌ها، در شیوه کهن، برهنه بودن مجسمه مردان جوان و پوشیده بودن دوشیزگان یونانی است.

۱۳۱. معبد یونانی از لحاظ نقشه شباهت نزدیکی به تالار بارگاه میسنی دارد و شامل مقصوره و ستون‌بندی‌های متنوع می‌شود.

۱۳۲. قدیمی‌ترین شیوه‌های قابل فرمول‌بندی در معماری یونانی عبارت بودند از: شیوه دوریک مربوط به سرزمین اصلی یونان، شیوه یونیک مربوط به آسیای میانه و دریای اژه و شیوه کورنتی.

۱۳۳. در روزگار باستان شیوه‌های دوریک و یونیک به عنوان شیوه‌های مذکر و مونث در مقابل یکدیگر قرار داده می‌شوند.

۱۳۴. هنرمند یونانی به ساختمان به عنوان یک پیکره می‌نگریست و برخلاف معابد مصری روبه فضای باز ساخته می‌شد.

۱۳۵. **باسلیکای پستوم** در جنوب ناپل (۵۵۰ ق.م) نمونه‌ای از سبک دوریک کهن به شمار می‌رود.

۱۳۶. کهن‌ترین بنای یونیک در یونان، **گنج‌خانه سیفنوسی‌ها** در دلفی (۵۳۰ ق.م) می‌باشد. در این بنا وظیفه نگهداری از سقف را **کاریاتیدها** انجام می‌دهند.

۱۳۷. از جمله پیکره‌های به کار رفته در معماری می‌توان به سنتوری سه گوش معبد آرتمیس، تندیس‌های سنتوری معبد آفایا در آگینا مانند جنگجوی محتضر و پیکره هرکول کمانگیر اشاره کرد.



۱۳۸. پیکره دیسک پران اثر مورون پیکرتراش (۴۵۰ ق.م) به علت حرکت نیرومندش انقلابی بود که پیکره‌سازی را از محدودیت‌های دوره کهن رها ساخت.

۱۳۹. معبد پارتنون در آکروپولیس از بناهای دوره کلاسیک پیشین یونان به شمار می‌رود. هدف اصلی از ساختن پارتنون فراهم آوردن معبدی برای پرستش آتنا بود.

۱۴۰. پرستشگاه پارتنون به سبک دوریک ساخته شده بود اما در بناهای جدیدتر در آکروپولیس از فرم‌های سبک یونیک استفاده گردید.

۱۴۱. معابد شیوه دوریک ظاهری تناورانه دارند و ستون‌هایشان محکم بر سکو یا صغه پله‌دار نهاده شده‌اند. شیوه یونیک در مقایسه با شیوه دوریک، شیوه‌ای سبک، تشریفاتی و به مراتب تزئیناتی است.

۱۴۲. ستون‌ها در شیوه یونیک باریک‌ترند و روی پا سنگ‌های برجسته‌کاری شده‌ای نهاده شده‌اند.

۱۴۳. سرستون‌های دوریک ساده و بی‌تزئین است و سرستون‌های یونیک و کورنتی تزئینات فراوانی دارند.

۱۴۴. معبد کوچک و زیبای آتنا الهه پیروزی به شیوه یونیک به سرپرستی کالیکراتس معمار ساخته شد و کهن‌ترین بنای تماماً یونیک موجود در تل آکروپولیس است.

۱۴۵. رواق دوشیزگان بخشی از معبد ارختئوم است که از بناهای یونیک در تل آکروپولیس می‌باشد.

۱۴۶. نقش برجسته الهه پیروزی کفشش را به پا می‌کند از معبد آتنا (الهه پیروزی) در حدود ۴۱۰ پیش از میلاد به دست آمده است.

۱۴۷. پیکره مرد نیزه‌دار متعلق به مکتب آرگوس و ساخته پولوکلیتوس است که با فیدپاس رقابت می‌کرد.



۱۴۸. پس از فید بایس و پولوکلیتوس تندیس‌های انسان‌های خدایگونه، به تندیس‌های انسانی این جهانی مبدل شدند.

۱۴۹. پیکره آفرودیته کنیدوسی پراکسیتلس به عنوان زیباترین پیکره جهان در روزگار باستان شناخته می‌شد.

۱۵۰. پیکره آپوکسومنوس، یا مرد یونانی که تن خویش را می‌ساید اثر نامدارترین پیکرتراش سده چهارم پیش از میلاد، لوسیپوس می‌باشد.

۱۵۱. اسکوپاس و لوسیپوس مقدمات بهره‌گیری از موضوعات هلنی را که مستلزم نیرو، عقل و عاطفه دراماتیک بود فراهم آوردند.

۱۵۲. نخستین سرستون کورنتی در درون مقصوره آپولون در باسائه و در حدود ۴۵۰ ق.م ساخته شد؛ طرح اولیه آن را به کالیماخوس پیکرتراش نسبت داده‌اند.

۱۵۳. بنای یادبود لوسیکراتس نخستین نمونه کاربرد سرستون کورنتی در محیط بیرونی یک ساختمان است.

۱۵۴. پیکره الهه پیروزی ساموتراس، از جمله پیکره‌های به یادگار مانده از دوره هلنی است که به حدود سال ۱۹۰ پیش از میلاد تعلق دارد.

۱۵۵. موضوع عذاب، چنان در دنیای هلنی و هنر آن نفوذ کرده است، که می‌توان آن را به عنوان تفسیر زندگی به وسیله انسان‌هایی دانست که یأس همراه با زوال یک نظام کهن‌تر و منطقی‌تر را درمی‌یافتند.

۱۵۶. یکی از آخرین آثار منسوب به پیکرتراشی هلنی، گروه پیکره لائوکون محصول مکتب رودس است.



۱۵۷. یکی از شاخصه‌های معماری دوران هلنی مقیاس بزرگ و گسترش فضای درونی بناها می‌باشد.

۱۵۸. تئاتر سرگشاده **اپیداوروس**، از نمونه‌های معماری کلاسیک یونان می‌باشد.

۱۵۹. معبد آپولون در **دیدوما**، گسست شدیدی از معماری کلاسیک یونان به شمار می‌رود.

۱۶۰. نام **هیپوداموس**، معمار یونانی با نقشه‌های صفحه شطرنجی شهرهای یونان، مانند شهر پرینه، جوش خورده است.

۱۶۱. در دوره هلنی **موزائیک** به‌عنوان شکلی از هنر به گونه‌ای نسبتاً عادی و در جریان کاربردهای روزانه پدید آمد.

۱۶۲. شهروندان آتنی در بازار سرپوشیده مرکزی شهر آتن که **آگورا** نام داشت دور هم جمع می‌شدند و از فلسفه و سیاست سخن می‌راندند. آگورا نخست در محلی که چند خیابان به هم منتهی می‌شدند، شکل گرفت.

۱۶۳. جهان‌بینی انسان‌گرایانه، از ویژگی‌های بارز نگرش دینی مردم یونان باستان بوده است.

۱۶۴. در دوره **آرکائیک**، تزئینات پیچیده گیسوان و لبخندهای مصنوعی در چهره‌پردازی به کار برده می‌شد. و ایستادن موقر همانند هنر مصر در پیکره‌های یونانی نیز به ظهور رسید.

۱۶۵. دوره کلاسیک عصر طلایی و تکامل هنر یونان و اوج‌گیری معماری و پیکره‌سازی در هنر این کشور می‌باشد.

۱۶۶. مجموعه اجزای بالای ستون و پیشانی نما و **اسپر** نامیده می‌شود که شامل کتیبه و طره می‌باشد.



۱۶۷. در زمان اوج دموکراسی آتن، هنر یونانی به حد اعلای پروردگی خود رسید.

۱۶۸. طراح معبد پارتنون (که به دستور پریکلس ساخته شد)، اِیکتینوس و مجسمه‌ساز آن فیدياس بوده‌اند.

۱۶۹. شیوه استفاده هنرمندان یونانی از پارچه برای نمایان کردن بخش‌های اصلی بدن انسان نشان‌دهنده اهمیتی است که آنها برای آگاهی از اشکال اندام آدمی قائل بوده‌اند.

۱۷۰. با نگاهی به مجسمه دیسک‌پران اثر مورون در خواهیم یافت که مورون به وسیله اقتباسی جدید از روش‌های هنری بسیار کهن توانسته است حالت تحرک را با تاثیرگذاری حیرت‌انگیزی مجسم کند. مورون همانند نقاشان مصری، بالاتنه را از مقابل و پاها و دست‌ها را از پهلو نشان داده است.

۱۷۱. هنرمندان یونانی، طبیعت را آرمانی می‌کنند و تصور می‌کنند که کار آنها مانند کار یک عکاس است که تصاویر چهره‌ها را با پاک کردن لکه‌های ریز روتوش می‌کند.

۱۷۲. در نسل بعد از پراکسیتلس، در اواخر قرن چهارم ق.م هنرمندان راه‌های جاندار کردن اعضای صورت را بی‌آنکه به زیبایی آنها لطمه بزند، کشف کردند. و آموختند که چگونه حالات روحی فرد را دریابند و با استفاده از قیافه‌شناسی خاص هر فرد، پرتره‌هایی را به مفهوم مصطلح امروزی پدید آورند.

۱۷۳. مذبح زئوس در شهر پرگامون در سال ۱۶۰ ق.م بنا شده است که مجموعه پیکره‌هایی که در آن ساخته شده است نبردی را بین خدایان و غولان باز می‌نمایاند.

۱۷۴. پیکره لائوکون صحنه هولناکی را بازنمایی می‌کند که در نمایشنامه انه‌ئید اثر ویرژیل توصیف شده است.



۱۷۵. تقریباً هر چیز قابل تصویری را می‌توان در دیوارنگاری‌های تزئینی پمپئی پیدا کرد. تصاویر جانوران مختلف و اشیای زیبای طبیعی همچون دو لیمو و یک لیوان آب و حتی مناظر طبیعی (یا دور نماها) از جمله نقاشی‌های دیواری پمپئی می‌باشد.

۱۷۶. آموغرا یا کوزه بلند در دو دسته برای شراب یا روغن، که به حدود سده دهم پیش از میلاد تعلق دارد، نخستین مراحل شکل‌گیری سبکی را که سبک هندسی نامیده می‌شود، به ما نشان می‌دهد؛ دوره هندسی جای خود را به مرحله یا شیوه خاورمآبی دوره کهن داد.

۱۷۷. بروگوس نقاش، نخستین بار، پیکره‌ای گام بردارنده را در حالی که پای مرئی‌اش را جلو گذاشته و شانه‌اش را به طور مورب رو به بیننده برگردانده است، نشان می‌دهد. نتیجه این نقاشی آفرینش نخستین حالت ایستایی متعادل در تاریخ نقاشی است.

۱۷۸. یونانیان ساختن پیکره‌های درشت را نه با شبیه‌سازی از سر، بلکه از بدن انسان آغاز می‌کنند.

۱۷۹. یونانیان تمام تندیس‌های سنگی را رنگ‌آمیزی می‌کردند آنان فقط بخش‌های مهم مانند چشم‌ها، لب‌ها، موی سر و لبه‌های جامه را رنگ می‌کردند تا با رنگ مرمر صاف نوعی تضاد پدید آورند. دوام این رنگ‌ها را می‌توان به اسلوب نقاشی با رنگ‌های مخلوط در موم مذاب یا موم رنگ نسبت داد.

۱۸۰. معابد یونانی از لحاظ نقشه، شباهت نزدیکی به تالار بارگاه میسنی دارد و حتی در پیشرفته‌ترین شکل این معبد، سادگی بنیادی ساختمان تالار مزبور به چشم می‌خورد.

۱۸۱. افلاطون ضمن صحبت از هنرهای تقلیدی اعلام داشت که درجه حقیقت یا درستی این هنرها از روی متناسب بودن اجزایشان تعیین می‌شود.

۱۸۲. یونانیان در پیکرتراشی همانند معماری، تناسب را مساله محوری می‌دانستند و قانون پولوکلیتوس را تجسم معقولیت آمیخته با تناسب برای پیکرتراشی به شمار می‌آوردند.



۱۸۳. نامدارترین پیکرتراش نیمه دوم سده چهارم پیش از میلاد **لوسیپوس** یعنی پیکرتراش دربار اسکندر بود. از جمله آثار او پیکره **آپوکسو منوس** یا مرد یونانی که تن خویش را می‌ساید می‌باشد.

۱۸۴. کهن‌ترین پیکره‌های یونانی با نمای خشک و از روبرو نشان داده می‌شدند و سطوحشان رابطه فشرده با قطعه سنگی داشت که خود از دل آن تراشیده می‌شدند؛ این پیکره‌ها فقط از یک یا دو زاویه به بهترین شکل ممکن دیده می‌شوند.

۱۸۵. در پیکره **مردی از اقوام ناحیه گل می‌میرد**، نمایش تندیس‌وار عمل، تا حد نمایشی وحشیانه در صحنه تنزل می‌یابد.

۱۸۶. تئاتر سرگشاده **اپیداوروس**، با اینکه به شیوه کلاسیک ساخته شده است نه هلنی، تمام واحدهای کارکردی و ترتیب ظاهری تئاترهای بعدی را داراست.

۱۸۷. اصل سازمان‌دهنده اصلی نقشه **هیپوداموس**، میدان بود که در مرکز قرار می‌گرفت، دورتادور میدان، رواق‌های دراز و سرپوشیده پیش‌بینی شده بود که بازارها و ادارات در آنها واقع شده بودند.

۱۸۸. رایج‌ترین نوع مقبره اتروسک‌ها **تومولوس**، یا ساختمان مدوری است که بخش بسیار اندکش خاکبرداری شده است این مقبره بیشتر در چروتوری ساخته می‌شده است.

۱۸۹. معبد **سیبول** مانند معبد **فورتانا ویریلیس** بر یک سکو بنا شده که برای رسیدن به آن باید از راه پله‌ای گذشت که به مدخل مقصوره منتهی می‌شود.

۱۹۰. شهر پومپئی از این نظر اهمیت داشته است که گونه‌های ساختمانی بسیاری که بعدها به صورت الگو درآمدند با شکل اولیه خود در اینجا یافت شدند، این ساختمان‌ها شامل کهن‌ترین آمفی تئاتر موجود و کهن‌ترین گرمابه‌های شناخته شده همگانی می‌شوند.

۱۹۱. در خانه **فائون**، موزائیک نبرد اسکندر برای تزئین کف اتاق‌ها استفاده شده است.



۱۹۲. سبک پیچیده، از سبک‌های نقاشی دیواری در پومپئی در اتاق ایکسیون از خانه ویی دیده می‌شود.

۱۹۳. هنرمند یونانی درباره احجام توپر مانند پیکره‌های آدمیان می‌اندیشیده و فضا را فقط عاملی جدا کننده می‌پنداشته است نه عاملی محیط و در برگیرنده.

۱۹۴. یونانیان از موزائیک به جای فرش استفاده می‌کردند و غالباً برای این منظور، موزائیک‌هایی با طرح هندسی می‌ساختند.

۱۹۵. **باسیلیکای اولپیا** ساختمانی بزرگ بود و در موارد گوناگون می‌توانست انبوهی از مردم را در خود جای دهد. اولپیا، محل معاملات ارزی، دادگاه‌ها، دفاتر تجاری و ادارات دولتی و احتمالاً مرکزی برای خدمات شهری بوده است.

۱۹۶. تابلوی **اندرون پانتئون اثر جووانی پانینی** بهتر از هر عکسی وحدت شکل و مقیاس طرح، سادگی نسبت‌ها و عظمت پر هیبت آن را نشان می‌دهد.

۱۹۷. اتروسک‌ها در سده ششم پیش از میلاد بیشتر نواحی مرکزی و شمالی ایتالیا را از دژهای نیرومندی چون تارکوینی، کائره، ویی، پروسیا و ولیسنی را در زیر فرمان خود داشتند. اتروسک‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای از طاق سنگی استفاده می‌کردند.

۱۹۸. اتروسک‌ها گورستان‌هایی در خارج از شهرهایشان می‌ساختند که به نکروپولیس یا شهر مردگان مشهور است. از نمونه رایج‌ترین این مقبره‌ها **تومولوس** بود که بیشتر در **چروتوری** ساخته می‌شد.

۱۹۹. **تارکوینی‌ها**، دیوارهای اتاقک‌های تدفینی زیرزمینی خود را با نقاشی‌های خوش‌رنگ و زنده دیواری تزئین می‌کردند.

۲۰۰. از آثار پیکرتراشی اتروسک‌ها می‌توان به پیکره آپولون، مجسمه ماده گرگ و تندیس کیمرآ اشاره کرد.